برنامه هفتم و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد فسادستیز

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

یکی از بدیهی‌ترین وظایف تدوین‌کنندگان برنامه‌های توسعه بررسی و شناخت منابع و داشته‌های کشور و پیشنهاد بهترین شیوه بهره‌برداری از هرکدام از آنها در مسیر تحقق‌بخشیدن به اهداف توسعه کشور است. منابع طبیعی، ظرفیت‌های تولیدی و کلیه مزیت‌های منطقه‌ای اعم از تولید، تجارت و ترابری در این بررسی مورد توجه قرار می‌گیرند و برنامه توسعه با اتکا بر این داشته‌ها و با استفاده بهینه از تمام ظرفیت‌ها و فرصت‌های ثروت‌اندوزی، مسیری را برای توسعه کشور تعیین و تبیین می‌کند. طبعا نادیده‌گرفتن هر یک از این داشته‌ها و لحاظ‌نکردن آن، نشان‌دهنده بروز نقصانی فاحش در برنامه است.

امروزه تشکل‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین ثروت‌های جوامعی که مراحلی از رشد و توسعه همه‌جانبه را تجربه کرده‌اند، به شمار می‌روند. این نهادها روزبه‌روز جایگاه مستحکم‌تری در جوامع پیدا کرده و نقش‌آفرینی جدی و پررنگ خود را در تحولات اجتماعی آغاز کرده‌اند. بی‌تردید هر جامعه‌ای که مصمم به قدم‌گذاشتن در مسیر تحول و توسعه همه‌جانبه است، می‌تواند و باید از این ابزار ارزشمند و بسیار کارآمد برای دستیابی به اهداف توسعه ملی به نحو احسن استفاده کند. بسیاری از تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که بنا بود دولت با صرف هزینه گزاف متصدی انجام و تحقق‌شان باشد، از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد با بسیج تمام امکانات مردمی و با ایجاد موجی از حمایت و پشتیبانی از اهداف ملی، با کمترین هزینه و بالاترین درجه کارآمدی قابل دستیابی است.

از منظری دیگر و با استناد به ادبیات دینی، فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان مصداق بارز «اهتمام به امور مسلمین» دانست؛ زیرا این تشکل‌ها در یک کلام هدف اصلاح امور جامعه و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی را که موجب آسایش شهروندان خواهد شد، دنبال می‌کنند.

تشکل‌های مردمی فسادستیز به‌عنوان یک زیرمجموعه از مجموعه سازمان‌های مردم‌نهاد جایگاه ویژه‌ای در این میانه دارند. از یک سو بیماری فساد را می‌توان یکی از جدی‌ترین و خسارت‌بارترین آسیب‌های اجتماعی دانست که درواقع زمینه‌ساز سایر ناهنجاری‌هاست. با گسترش فساد در جامعه باید منتظر ظهور انواع کژی‌ها و ناراستی‌های دیگر نیز باشیم. از سوی دیگر، تجربیات جهانی نشان می‌دهد که مبارزه با فساد بدون حضور مقتدرانه سازمان‌های مردم‌نهاد شانس بسیار اندکی آن هم فقط برای موفقیت‌های مقطعی دارد؛ زیرا دولت و نهادهای دولتی حتی اگر عزم جدی برای مبارزه با فساد داشته باشند، خود بخشی از صورت‌مسئله بوده و نقشی انکارناپذیر در گسترش فساد و حفظ آن دارند.

فسادستیزان ایرانی برای تداوم فعالیت خود با دشواری‌های متعددی رودررو هستند. هرچند در سالیان گذشته قدم‌های ارزشمندی در مسیر مبارزه با فساد برداشته شده و متولیان امر مدام از کاستی‌های قوانین در این حوزه سخن گفته و خواهان رفع آنها هستند، اما هنوز انبوه پرونده‌های ناگشوده بر روی میز سنگینی می‌کند. از یک سو و در شرایطی که بسیاری از نهادهای مصون از نظارت از منبع بودجه عمومی بهره‌مند می‌شوند و محصولی متناسب با آن عرضه نمی‌کنند، سازمان‌های مردم‌نهاد به‌ویژه فسادستیزان سهمی از این همه عطایای دولتی ندارند و برای تأمین مالی فعالیت‌های جاری خود با دشواری متعدد روبه‌رو هستند. از سوی دیگر نبود حمایت قانونی مؤثر، فسادستیزی را به یک فعالیت از نوع مشاغل پرخطر تبدیل کرده است و فسادستیزان باید همواره منتظر ضدحمله «قانون‌مدارانه» متهمان به فساد باشند. به بیان دقیق‌تر گویا حمایت قانونی از متهمان پرونده‌های فساد کارآمدتر و مؤثرتر از حمایت قانونی از فسادستیزان است. مصداق دیگر از این کاستی‌های قانونی به ضوابط مربوط به تأسیس سمن‌ها و سپس راه‌اندازی شبکه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد برمی‌گردد که در شرایطی که دولتمردان وعده تسهیل شروع فعالیت را برای بنگاه‌های اقتصادی می‌دهند و همواره دنبال ایجاد سهولت بیشتر برای متقاضیان راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید هستند، راه‌اندازی یک تشکل مردم‌نهاد با دشواری‌های متعدد روبه‌رو است که گاه متقاضیان فعالیت مبارک «اهتمام به امور مسلمین» را از این کار خیر منصرف می‌کند!

تدوین برنامه هفتم توسعه فرصت مناسبی است که تدبیری برای این مشکل اندیشیده شده و مقدمات استفاده جامعه از خیر و برکت سازمان‌های مردم‌نهاد فراهم شود. بااین‌حال با مروری بر متن انتشاریافته از حاصل تلاش برنامه‌ریزان که برای بررسی و تصویب در اختیار مجلس گذاشته شده است، می‌توان ادعا کرد که توجهی به جایگاه نهادهای مردمی و چگونگی بهره‌مندی از ثروت بزرگ نشده است. ممکن است گفته شود نهادهای مردمی چندان توانمند و تأثیرگذار نیستند و ازاین‌رو به‌اصطلاح به بازی گرفته نمی‌شوند. این ادعا حتی اگر درست هم باشد که نیست، رافع مسئولیت تدوین‌کنندگان برنامه نیست؛ زیرا در چنین شرایطی آنان باید برنامه‌ای برای توانمندسازی تشکل‌های مردمی و سپس بهره‌برداری از تشکل‌های توانمند تدوین کنند.

بی‌اعتنایی به جایگاه نهادهای مردمی یکی از کاستی‌های جدی متن انتشاریافته برنامه هفتم است و نگارنده مصرانه از متولیان امر می‌خواهد تا دیر نشده با همفکری فعالان این حوزه و به‌ویژه جامعه فسادستیزان کشور و برگزاری نشست‌های مشترک هم‌اندیشی به رفع این کاستی اقدام کنند.

• عکس: علیرضا صوت اکبر ایسنا

ادامه از صفحه اول

اقتصاد، تحریم و آفرینش دانش*

پایان‌نامه، مقاله و کتاب‌های متعددی تألیف کرده، مطالعه‌های فراوانی را انجام داده یا در دست اقدام دارند ولی تقریبا همگی رونوشت و تقلیدی از غرب هستند. بدیهی است بهره‌مندی از دانش روز دنیا مطلوب است، اما به شرط آنکه قادر باشیم به دانش دنیا بیفزاییم و با آن دادوستد داشته باشیم. دانش تجربی یک کالای ارزشمند است مشروط بر آنکه تازه خلق شده باشد و دنیا به آن نیازمند، قابل معامله و ارزش‌آفرین باشد. نه‌تنها قابل تحریم نباشد، بلکه از توانایی تحریم در برابر تحریم برخوردار باشد. ما به دکترا و پسادکترای فیزیک، شیمی، مهندسی، پزشکی و... نیاز نداریم. به فیزیک‌دان، شیمی‌دان، مهندس، پژوهشگر علوم پزشکی و... محتاجیم. بله پژوهشگر، پژوهشکده، پژوهشگاه، نویسنده مقالات علمی و... فراوان داریم. زحمات فراوانی کشیده می‌شود. عمر جوانی و رنج‌های طاقت‌فرسا صرف می‌شود. با منابع مالی فراوان کنگره‌های علمی برگزار می‌شود. این امور به نوبه خود ارزشمند هستند و بسی مایه افتخار ولی ما دانشی نمی‌آفرینیم که مالکیت آن ایرانی باشد. مطالعه مستقل بدون رونوشت از غرب در دانشگاه‌ها انجام نمی‌شود و علمی خلق نمی‌شود که بتوانیم با آن دادوستد کنیم. در مقیاس اقتصادی دانشی خلق نمی‌شود که قادر به جایگزینی با کالاهای نابودگر محیط زیست مانند نفت، فولاد، پتروشیمی و کشاورزی باشد. ما دانش‌آموختگان مدرنیته، دانش و اندیشه استدلالی مدرن را در دانشگاه‌های داخل یا خارج می‌آموزیم ولی در حل مسائل شخصی و اجتماعی از اندیشه کلیشه‌ای خودکار سنتی یا پسامدرن که ارزش‌بنیان است، بهره می‌گیریم. بنابراین دانش را با زحمت می‌آموزیم ولی در حل مسائل اجتماعی به همان باورهای قبلی ارزش‌پایه بازمی‌گردیم و از آنها مدد می‌جوییم. چرا این‌گونه هستیم که با وجود کسب دانش مدرن و صرف منابع مادی، مالی و انسانی فراوان از بهره‌مندی میوه دانش و پیامدهای آن که مهم‌ترین ثمر آن رشد اقتصادی کشور و رفاه مردم است، محرومیم؟

پاسخ به سؤالات فوق به مأموریت آموزش‌وپرورش برمی‌گردد. اقتصاد دانش‌بنیان نیاز به فراگیری متدولوژی علمی در قالب اندیشه روش‌مند و پس از آن اندیشه خودکار دارد؛ باورها، الگوها و طرح‌های ذهنی ازپیش‌بافته که نیاز به استدلال نداشته باشد و مانند سخن‌گفتن بر ذهن جاری شود و به عمل ختم شود. در اینجا دو نکته ضروری است تبیین شود تا از اشتباه در فهم خودداری شود: نخست آنکه ما درباره اندیشه سخن می‌گوییم و نه درباره مهارت که در حیطه عمل است. سخن‌گفتن یک عمل است ولی پیش از برزبان‌آوردن کلمات، اندیشه‌ای در ذهن جای می‌گیرد ولو آنکه بر زبان جاری نشود. اعمال روش‌مند و متدولوژیک مسبوق به اندیشه است. دیگر آنکه پایه فرهنگ مدرنیته ارزش نیست بلکه دانش و به عبارت درست‌تر روش‌مندی علمی یا متدولوژی است. علم تجربی در اتخاذ داوری‌های خود پیشینه ارزشی ندارد. بنابراین میزان خواست‌های هیجانی که بیشتر بر منافع فردی و گروهی استوار است در آن بسیار کم است. این سخن دال بر این نیست که دانشمندان و آنها که روش‌های علمی را در بررسی مسائل تجربی و علوم انسانی به کار می‌گیرند با ارزش‌ها مخالف یا نسبت به آنها بی‌تفاوت باشند. هیچ انسانی نمی‌تواند منفک از ارزش باشد و به تعبیری تفاوت انسان و حیوان در میزان باور به ارزش‌های انسانی است. اما روش دانش تجربی بر پایه ارزش نیست. روش علمی بدون پایه ارزشی است و ملاکی برای یافتن احتمال واقعیت و پیش‌بینی رخدادهاست. در مقابل باور انسانی بر پایه ارزش‌ها برای پافشاری بر حقیقت‌های پذیرفته‌شده است و نه رخدادهای احتمالی واقعیت. این دو یعنی دانش و باور، به کلی از هم متفاوت هستند.

هرچند آغاز دانش با باور است و تا باوری شکل نگیرد دانشی به دست نمی‌آید. پایان باور می‌تواند به دانش تجربی بدل شود یا از آن فاصله بگیرد. ملاک تحقق دانش، آزمون است. دانش با آزمون‌های عینی که کاشف از میزان احتمال رویدادهاست، باورها را می‌سنجد. باوری که سرفراز از آزمون برون آید به علم تجربی تبدیل می‌شود. اینکه دانش با پیش‌داوری و تعصب کمتری آمیخته است به همین دلیل است. روش‌های دیگر فرهنگی مانند سنت و پسامدرنیته با آمیختگی به ارزش‌های ازپیش‌گفته نه‌تنها ما را از پیش‌بینی رخدادها دور می‌کند بلکه روش نامناسبی برای پایبندی به ارزش‌ها خواهد بود. همان‌گونه که دانش به تنهایی هم روش نامناسبی برای ایمان به حقیقت است و موجب اضمحلال و انقراض نوع بشر خواهد شد. یادآوری این نکته ضروری است که در اینجا گفتار بر سر اقتصاد کشور و رفاه مردم است و اگر بارها از دانش تجربی سخن می‌گوییم و نه خرد آخرت‌نگر به اقتضای الزامات بحث است.

یکی از اشکالات اساسی در غیرمولدبودن اقتصاد کشور، نبود فرهنگ مدرن و روش‌مند علمی برای حل چالش‌ها و از همه مهم‌تر تحریم‌های ظالمانه است. جایگاه این تربیت علمی مدارس است نه دانشگاه‌ها. دانشگاه‌ها وقتی کار خود را با جوانان شروع می‌کنند که اندیشه‌های کلیشه‌ای و خودکار سنتی و پسامدرن الگوهای ذهنی نوجوانان را در اختیار خود گرفته و دیگر جایی برای متدولوژی علمی باقی نمانده است. در سطح آموزش و پرورش برای رسیدن به هدف تربیت علمی به منظور توسعه اقتصاد بر پایه آفرینش دانش به راهبردهایی نیاز داریم که در یادداشت‌های بعدی گفته خواهد شد.

*** از نظر تعارض منافع هیچ‌گونه ارتباط مالی و کارکردی با وزارت آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها ندارم.**

انتخابات و غریزه تولید قدرت سیاسی

احزاب سیاسی و روزنامه‌های حزبی اگر بخواهند موفق شوند، نباید حالت «فوروم» داشته باشند. اگر روزنامه‌ای مانند «اعتماد» یا «هم‌میهن» حزبی باشد، قدرت تشکیلاتی تولید می‌کند. معمولا تولید تشکیلاتی قدرت پایدارتر است. همچنان که حضور تشکیلاتی در قدرت پایدارتر است.

مسئله «تولید قدرت» در انتخابات یک چالش اساسی برای احزاب سیاسی ایران است؛ چون نه به دلیل محدودیت‌هایی که بر آنان اعمال می‌شود، می‌توانند با توده مردم ارتباط برقرار کنند و نه به شکلی حرفه‌ای به سیاست‌های عمومی می‌پردازند. حرفه‌ای‌گری در سیاست‌های عمومی می‌تواند پیوند آنها را با بخش مدنی جامعه به گونه‌ای معنادار کند که بتوانند قدرت تولید کنند؛ بنابراین صرفا از طریق روزنامه ارتباط عمومی با جامعه دارند که آن هم محدودیت‌های جدی دارد. البته انتخابات برای احزاب نام‌برده یک فرصت طلایی است؛ چراکه از تسامح پیش‌آمده در زمان انتخابات می‌توانند استفاده کنند و ارتباطات مستقیم و رودررویی را با مردم برقرار کنند؛ یعنی می‌توانند در ملاقات‌های مستقیم مردمی حزب، مواضع آن و فرهنگ حزبی را معرفی کنند و نه صرفا نامزد مدنظر خود را.

در مجموع رویکردها، گونه‌ها، استراتژی‌ها و قواعد حاکم بر «تولید قدرت اجتماعی» موضوعی مهم برای احزاب، گروه‌ها و پژوهشگران سیاسی در ایران است. این عرصه نیازمند بازنگری و نظریه‌پردازی است. یک دلیل اینکه انتخابات شورای شهر در سال ۱۳۸۱ با وجود فقدان نظارت استصوابی به انتخاب فهرست آبادگران منتهی شد، این بود که قدرت اجتماعی از طرف هیچ‌یک از احزاب تولید نشده بود که بتواند تبدیل به یک قدرت پایدار سیاسی شده باشد. آنان در لایه‌های رویی جامعه حضور داشتند. به همین دلیل تنها قدرت متشکل آن زمان که متکی به یک نیروی اجتماعی سنتی و در واقع یک اقلیت بود، توانست سرنوشت انتخابات و بلکه کشور را در دهه بعدی رقم بزند. ما از نظر تأمل فکری و تجربه سیاسی در مقوله تولید قدرت اجتماعی و سپس سیاسی، جامعه بسیار جوانی هستیم. انتخابات، در صورت امانت‌داری از آرا، هنوز می‌تواند ظرفیت‌های زیادی برای احزاب داشته باشد؛ چه با رد صلاحیت و چه بدون آن؛ یعنی ظرفیت تولید قدرت اجتماعی-سیاسی برای معترضان، مخالفان و موافقان. البته درصورتی‌که این احزاب واجد برنامه‌ای روشن و مطالباتی شفاف باشند و اعضایی اصلی (و نه دست چندم) به جامعه عرضه کنند. در چنین صورتی نه رد صلاحیت مهم است و نه نتیجه انتخابات؛ فقط «تولید قدرت» و «زمان» مهم است. در افق زمان، ظرفیت تولید قدرت در «بیرونِ درون انتخابات» بیشتر است.

• جدول ۴۵۲۷ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- دوستی- اتاق قابل حمل- نخود بوداده و برشته‌شده ۲- اداره‌ای از تشکیلات قضائی- مخفی- قلعه حکومتی ۳- خانه بزرگ- از جزایر دریای خزر- امر به یافتن ۴- از باشگاه‌های فوتبال پرتغال- محکم و بنیادی ۵- آبشار کوچک- رشته‌کوه معروف آمریکای شمالی- آتشدان ۶- از طایفه‌های بلوچ ایران- پشتیبان- دوبیتی محلی ۷- عصاره لیموترش- مسجدی در نجف اشرف ۸- ابزار درودگری- میوه‌ای با طعم ترش و شیرین- دندان‌های جلوی دهان ۹- عطا و کرم- اوضاع جوی ۱۰- آماسیده- کرم کدو- شبنم ۱۱- مادینه- ایشان- سازمان پرورش، صید و فروش ماهی ۱۲- علم شعبده- فیلمی ساخته مسعود ده‌نمکی ۱۳- مقابل شب- بیماری فراموشی- جنبش و حرکت ۱۴- سنگ سبز قیمتی شبیه عقیق- زشتی- نام مستعار ویلیام سیدنی پورتر، نویسنده آمریکایی ۱۵- تخمه آفتابگردان- کاری که به‌طور معمول و مکرر انجام می‌شود- ساز موسیقی خطه کردستان

عمودی:

۱- گمانه- انبازان- قالب برشکاری فلزات ۲- حمل و جابه‌جایی بار- روییدن- بلدرچین ۳- در حال حاضر نخستین مؤسسه آموزش عالی ایران را با این نام می‌شناسیم ۴- شخص- نیرنگ- موروثی ۵- نشان‌دادن- ضرورت- باقلا ۶- تیری که با کمان اندازند- زندگی- خبرگزاری کار ایران ۷- ماده‌ای که از سوزاندن شکر به دست می‌آید- تلاش و مبارزه برای ادامه زندگی ۸- روشنایی- معادل فارسی حق‌التدریس- ترکیب آلی قابل اشتعال ۹- بدزبانی و دشنام‌گفتن- آب‌دادن به کشتزار ۱۰- شهری در شمال شرقی فرانسه- نوعی ماهی استخوانی خلیج فارس- دعایی که مستحب است در ساعات آخر روز جمعه خوانده شود ۱۱- ترانه- شلوارک ورزش باستانی- از کشورهای عضو بلوک شرق در دوران جنگ سرد ۱۲- زن گندمگون- ضروری- نفس خسته ۱۳- رمان مشهور و خواندنی ایرج پزشکزاد ۱۴- کلمه پرسشی- جاسوس- هاله ماه ۱۵- ناگهان- همکاری در انجام کاری- پوست درخت خرما

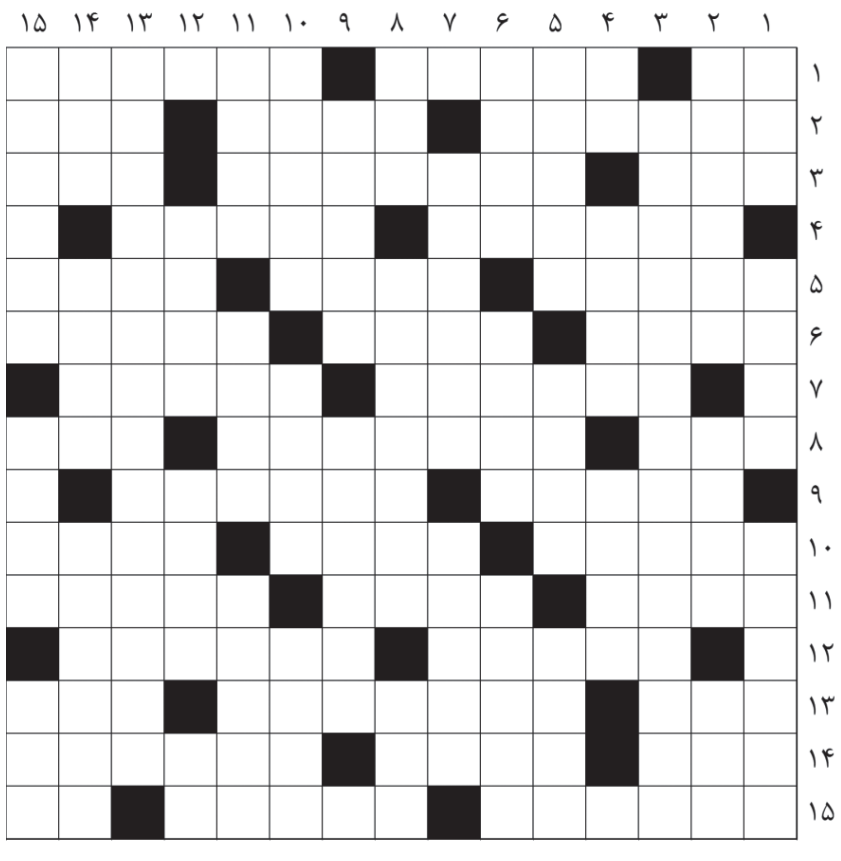

• حل سودوکو سخت

۱	۹	۳	۶	۵	۴	۲	۷	۸
۲	۵	۴	۷	۸	۱	۶	۹	۳
۸	۷	۶	۳	۹	۲	۴	۵	۱
۷	۴	۹	۵	۲	۳	۸	۱	۶
۳	۱	۸	۴	۶	۹	۵	۲	۷
۶	۲	۵	۸	۱	۷	۹	۳	۴
۵	۶	۷	۲	۳	۸	۱	۴	۹
۹	۳	۲	۱	۴	۶	۷	۸	۵
۴	۸	۱	۹	۷	۵	۳	۶	۲

• حل سودوکو ۳۵۲۲

۱	۴	۵	۹	۸	۲	۶	۷	۳
۹	۷	۶	۴	۱	۳	۸	۲	۵
۲	۳	۸	۵	۶	۷	۱	۹	۴
۶	۱	۳	۲	۹	۵	۷	۴	۸
۷	۸	۲	۶	۴	۱	۵	۳	۹
۴	۵	۹	۷	۳	۸	۲	۶	۱
۸	۶	۱	۳	۷	۹	۴	۵	۲
۳	۲	۷	۱	۵	۴	۹	۸	۶
۵	۹	۴	۸	۲	۶	۳	۱	۷

• حل جدول ۴۵۲۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ل	ق	■	ر	ن	ک	خ	د	ا	■	ف	ر	د	و	س
۲	و	ا	ر	و	■	ب	ا	ی	ر	ن	م	و	ن	ی	خ
۳	چ	ه	ا	ر	د	ه	■	ر	ش	ک	■	د	ا	د	ن
۴	و	ر	س	ا	ی	■	ا	و	د	ی	پ	■	ی	ا	ر
۵	■	■	■	س	ا	و	ی	ز	■	س	ا	ع	ت	■	ا
۶	ن	ر	م	ت	ن	ا	ن	■	ک	ا	ر	ه	■	ف	ن
۷	ص	ا	د	■	ا	ن	ج	ا	م	■	ت	د	ب	ر	■
۸	ب	ن	ف	ش	■	ک	ا	ل	ر	ی	■	ه	و	ا	ر
۹	■	د	ن	ب	ه	■	ن	ا	ب	و	د	■	ر	د	ه
۱۰	د	ن	■	ب	و	ا	ب	■	س	و	ب	ا	ت	ا	ن
۱۱	ل	■	ر	و	د	ل	■	و	ت	ی	ر	ه	■	■	■
۱۲	خ	ف	ا	■	ج	ع	ا	ل	ه	■	ن	م	و	ن	ک
۱۳	س	ا	ب	ر	■	ب	ی	ک	■	ن	ا	م	ا	و	ر
۱۴	ت	ع	ط	ی	ل	ل	ا	ت	ر	م	ی	■	ت	م	د	ن
۱۵	ه	ل	ه	ل	ه	■	م	د	د	ک	ا	ر	■	ل	ش

• سودوکو سخت ۳۵۲۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۹	۵			۱	۲			
		۲						
		۴				۲	۹	۸
	۷	۱			۹			۶
	۲						۷	
۸			۷			۹	۴	
۶	۴	۷				۸		
						۷		
			۶	۴			۱	۳

• سودوکو ساده ۳۵۲۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۲					۵	۱
	۳				۹			
۷			۶		۵			
۳			۴	۸		۹		
۴	۱			۹			۳	۶
		۹		۶	۳			۴
۲			۳		۴			۸
			۸				۲	
۸	۶					۷		